

بر بال خیال



فقط همین...

هم از تو هیچ در این رهگذر نمی خواهم
و هم حضور تو را، مختصر نمی خواهم
اگرچه حرف توقف به دفتر من نیست
قبول کن که تو را رهگذر نمی خواهم
تویی که از من و پنهان من خبر داری
کسی که نیست ز من با خبر نمی خواهم
زمانه از تو هزاران شبیه ساخته است
هنر شناسم و شبه هنر، نمی خواهم
بخواه تا اثری باز جاودانه شود
دقایقی که ندارد اثر، نمی خواهم
به عمر یک غزل حافظانه با من باش
فقط همین و از این بیشتر نمی خواهم

محمد علی بهمنی

خیال تو

به خیال تو اعتباری نیست
گاهی هست، گاهی نیست
باید
با خیال خودم سفر کنم

رضا کاظمی

امثال الحکم

ایب، اینچه پردن ایزلیه

گروه ادب و هنر - ادبیات فارسی سرشار از مثل ها و اصطلاحاتی است که بر غنای آن افزوده است، به تبع آن ادبیات عامه نیز آینه ای از فرهنگ قومیت هاست که پرداختن به آن اندیشه ها و تجربیات گذشتگان و دانش ها و حکمت های آن ها را به ما منتقل می کند.

در این شماره به یکی از مثل های رایج در میان قوم ترک از زبان «عزیز ا... حیدرزاده» می پردازیم که سینه اش گنجینه ای از تاریخ و فرهنگ این سرزمین است.

وی با بیان این که ضرب المثل «ایب، اینچه پردن ایزلیه» به معنای این است که «طناب از جای باریک پاره می شود»، می افزاید: این مثل در واقع بیانگر این است که انسان از جایی که ضعف داشته باشد، بیشتر ضربه می خورد.

خاطره بازی با «بهمن توکل» پیش کسوت هنر نمایش

متن های تئاتر سلیقه ای شده است



می بینید؟

باید رعایت شود نه این که سلیقه ای باشد. در واقع برای این که تئاتر پیشرفت کند باید حب و بغض ها کنار گذاشته شود و اگر نقد در تئاتر نباشد، این هنر پیشرفت نخواهد کرد.

چرا پیش کسوتانی همچون شما

اکنون کم کار هستند؟

جدا از بالا رفتن سن، مریضی ها و کم حوصلگی هایی که گریبان گیر برخی پیش کسوتان می شود باید گفت متن های خوب در استان و کشور وجود ندارد تا بتوان به ایفای نقش پرداخت و از سوی دیگر نبود نویسندگانی که بتوانند از فرهنگ شفاهی و ادبیات فولکلور متنی فاخر تولید کنند هم موجب شده است پیش کسوتان کم کار شوند زیرا نمی شود با نمایشنامه سطح پایین ارزش از چند ساله رازیر سوال برد.

فکر می کنید اهالی تئاتر از امنیت شغلی

برخوردارند؟

امروزه تحصیل کردگانی در این عرصه داریم که باید از این طریق ارتزاق کنند اما هیچ گونه حمایتی نمی شوند و این یعنی همان نبود امنیت شغلی.

خاطره ای جذاب از دوران تمرین تئاتر

برای مان بگویید؟

در نمایش «گندم های خونین»، مرحوم «کریم شجاعی» نقش مقابل مرا بازی می کرد که در صحنه ای از این نمایش من واو با هم با داس در گیر می شدیم. بعد از اتمام نمایش دیدم لباسم خونی شده است، تازه متوجه شدم به قدری در نقش ام غرق شدم که طرف مقابلم را زخمی کردم.

باید بگویم وضعیت تئاتر استان اسفناک است. کمبود بودجه بر روند تولید تئاتر تاثیر گذاشته است و از طرفی امروز هنرمندان جوان در وهله نخست به دستمزد فکر می کنند و اگر چه شرایط امروز می طلبد به این مقوله هم توجه کنیم، اما به اعتقاد من در درجه نخست باید به تئاتر بیندیشیم و ارزش و جایگاه آن را حفظ کنیم. متأسفانه امروزه، بیشتر هنرمندان استان به تولیدات جشنواره ای می اندیشند، اما ما به عنوان هنرمند باید درجه نخست برای مردم کار کنیم و شرکت در جشنواره در اولویت بعدی قرار گیرد. معتمد اگر مردم به عنوان مخاطبان اصلی با رضایت از سالن نمایش خارج شوند آن اثر قابل قبول است، در غیر این صورت ارزشی نخواهد داشت. پرداختن به نمایشنامه های خارجی و کم توجهی به ادبیات فولکلور از دیگر نقاط ضعفی است که در تئاتر استان به چشم می خورد، در حالی که باید نمایشی را کار کرد که مخاطب در هر سطحی لذت ببرد، در واقع تئاتر برای همه باشد نه گروه خاصی.

به مسئله دستمزد اشاره کردید،

دستمزدها در قدیم با امروز چه

تفاوتی داشت؟

آن دوران دستمزد به آن صورت وجود نداشت و بیشتر دلی کار می کردیم و اصلاً صحبتی از آن به میان نمی آمد و فقط به فکر تئاتر بودیم و در نهایت شب آخر اجرای نمایش تقدیر می شدیم.

از سال ۸۶ به بعد کم کم دستمزد رنگ و شکل

گرفت و کارگردان به میزان فعالیت هر یک از

اعضای گروه مبلغی را پرداخت می کرد. سال

گذشته وقتی در نمایش «روزهای بی قوام» بازی

کردم برای کارگردان جالب بود که چرا حرفی از

دستمزد به میان نمی آورم. به اعتقاد من وقتی

این مسئله مطرح می شود، ارزش هنر نمایش

پایین می آید.

حال این روزهای تئاتر استان را چگونه

های آموزشی برگزار می شد. جدا از آن اوایل انقلاب هنرمندانی از مرکز هنرهای نمایشی برای آموزش می آمدند و به نظر می رسد یکی از وظایف اصلی معاونت هنری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی دعوت از چهره های هنری مرکز هنرهای نمایشی برای آموزش است، مسئله ای که چندان به آن توجه نمی شود. نکته دیگر این است که در گذشته به تئاتر در مدارس توجه می شد اما امروزه در آموزش و پرورش به تئاتر توجه و از آن حمایت نمی شود. دیگر این که آن زمان به هیچ وجه صحبتی از دستمزد نبود و فعالان این عرصه تنها به هنر شهرشان می اندیشیدند.

به مسئله دستمزد اشاره کردید،

دستمزدها در قدیم با امروز چه

تفاوتی داشت؟

آن دوران دستمزد به آن صورت وجود نداشت و بیشتر دلی کار می کردیم و اصلاً صحبتی از آن به میان نمی آمد و فقط به فکر تئاتر بودیم و در نهایت شب آخر اجرای نمایش تقدیر می شدیم.

از سال ۸۶ به بعد کم کم دستمزد رنگ و شکل

گرفت و کارگردان به میزان فعالیت هر یک از

اعضای گروه مبلغی را پرداخت می کرد. سال

گذشته وقتی در نمایش «روزهای بی قوام» بازی

کردم برای کارگردان جالب بود که چرا حرفی از

دستمزد به میان نمی آورم. به اعتقاد من وقتی

این مسئله مطرح می شود، ارزش هنر نمایش

پایین می آید.

حال این روزهای تئاتر استان را چگونه

برگشت. حالا در گپی خودمانی از روزهای پر شور تئاتر بجنورد برای مان می گوید و به آسیب شناسی جریان تئاتر و رمز پیشرفت این هنر در استان می پردازد و از بی مهری به پیش کسوتان گلا په مند است.

چگونه وارد عرصه تئاتر شدید؟

۶ سال بیشتر نداشتم که از طریق یکی از اقوام به تماشای تئاتری نشستم و همین امر باعث شد به هنر نمایش علاقه مند شوم تا این که در دوران مدرسه برای بازی در یک نمایش انتخاب شدم و کم کم با ورود به مقطع راهنمایی به واسطه واحد درسی، نمایش هایی را در سالن مدرسه اجرا کردیم و این آغاز جدی برای حضورم در دنیای تئاتر بود و بعد در قالب گروه نمایشی «میلا» به فعالیت پرداختم.

دلیل دوری چند ساله تان از صحنه

تئاتر چه بود؟

به خاطر ناراحتی قلبی که داشتم روی صحنه نیامدم. از آن جایی که تئاتر استرس فراوانی دارد و این نفس تماشاگر است که به بازیگر قدرت می دهد، به همین خاطر چند سالی دور بودم و فکر می کنم اشتباه کردم.

از وضعیت تئاتر در روزهایی که در این

عرصه فعال بودید برای مان بگویید؟

حمایت از هنر نمایش در گذشته بهتر بود در

حالی که امروزه چندان از هنر حمایتی نمی

شود و این مسئله در نمایش «روزهای بی قوام»

برای اجرا در تهران به وضوح مشهود بود. از

سوی دیگر در گذشته در دل جشنواره ها کارگاه

مرد تفضوی

گزاف نیست اگر بگویم چراغ تئاتر روشن نمی ماند اگر «بهمن توکل» ها در هنر بجنورد نبودند.

نوشتن از مرد خاک خورده صحنه تئاتر،

پیر نمایش و هنر، مردی که سال ها چهره

به چهره مردم روی صحنه رفت تا خلق کند

و به یادگار بماند، کار سختی است؛ البته

کار سخت نوشتن از ماندگارترین ها با

یادآوری لبخندهای عمو «بهمن» تئاتری ها

شیرین می شود، وقتی با لبخندی عمیق

از سال ها اجرا می گوید و با صدای پر مهر

و گیرایش که مانند پدیری مهربان است

از خاطرات تئاتر نقل می کند. عمو بهمن

محبوب است و مورد احترام اهالی هنر؛

این را می توان از برق چشمان هنر دوستان

در برابر او متوجه شد و از شوق نگاه و حتی

شور صدای شان. گویا عمو بهمن توکل

برای شان گوهری قدیمی و با ارزش است

که باید روی چشم تئاتر نگه داشت. «خان

کلمبیشی»، «سلطان و سیاه» و «چپر» تنها

بخشی از هنر نمایی پیر نمایش استان در

بیش از ۴ دهه فعالیت اوست؛ هنرمندی

که عشق به هنر نمایش و توجه به سلیقه

مخاطب را سرلوحه فعالیت هایش قرار داد

و تئاتر را مختص به گروه خاصی ندانست

و بعد از وقفه ای ۱۰ ساله، سال گذشته با

نمایش «روزهای بی قوام» به صحنه تئاتر

معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی:

کتاب فروشان دوره گرد مجوز فعالیت ندارند

کتاب فروشان دوره گرد مجوز فعالیت ندارند و مورد تایید اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی نیستند. معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان این مطلب اظهار کرد: در صورت ارائه گزارشی

از روند فعالیت این کتاب فروشان با آن ها برخورد می شود و برای گرفتن مجوز دعوت می شوند. «رضا رضایی» با بیان این که چیزی به نام کتاب فروش دوره گرد وجود ندارد و اگر باشد تعداد آن ها بسیار

کم است، افزود: باید هویت کتاب فروشان دوره گرد برای ما احراز شود. وی کانال های رسمی فعالیت در این عرصه را کتاب فروشی ها و موسسات تک منظوره تبادل کالا های فرهنگی دانست و افزود: هر

کدام از آن ها برای فعالیت در این عرصه باید در قالب نمایشگاه اقدام کنند، در این صورت کتاب ها از فیلتر کارشناسان عبور و پس از تایید برای برپایی نمایشگاه اقدام می کنند.

قاصدک

استخر ایشار

شروع ثبت نام

کلاس های آموزشی شنا
کلاس های آب درمانی

زیر نظر مربی مجرب و هیأت شنا استان

جهت ثبت نام با شماره های ذیل تماس حاصل فرمایید

۱ ۰۵۸ - ۳۲۳۱ ۸۵۲۴

۲ ۰۵۸ - ۳۲۲۵ ۹۷۹۶

در صورت پاسخگو نبودن با این شماره تماس حاصل فرمائید.

@stakhr_isar_bojnord

آدرس: بجنورد، شهرک شاهد، شاهد ۱۳